

شخصیت حضرت فاطمه ^(ع) همانند یک تابلوی شفاف در زندگی خانوادگی و تربیت فرزند، عشق و وفاداری به شوهر و همچنین در مجاهدات و مبارزات اسلامی، یک الگوی بی نظیر و منحصر به فرد برای زنان مسلمان است. آنچه باعث شده است نتوانیم دنبای اسلام را متوجه

اهل بیت ^(ع) کنیم. کمبود معرفت ما درباره ایشان است و از طرفی حتی این معرفت شناسی نیز به اندازه کافی توسعه نیافته است.

انس بن مالک در حدیثی از زبان نبی مکرم اسلام ^(ص) نقل می کند: «فَقَالَ يَا مَعْاشِرَ النَّاسِ إِذَا فَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقَمَرِ وَإِذَا فَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَعَلَيْكُمْ بِالزُّهْرَةِ وَإِذَا فَقَدْتُمُ الزُّهْرَةَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفِرْقَدَيْنِ فَسَلُّوا أَحَدَهُنَ الْمُسْلِمِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... مَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ مَا الزُّهْرَةُ وَ مَا الْفِرْقَدَانِ وَقَالَ أَنَا الشَّمْسُ وَ عَلَيَّ الْقَمَرُ وَ الزُّهْرَةُ فَاطْمَه وَ الْفِرْقَدَانِ الْخَسَنُ وَ الْحُسَيْنِ، یعنی روزی پیامبر ^(ص) خطاب به مسلمانان فرمود که اگر روزی خورشید را گم کردید، به دنبال ماه باشید و اگر ماه را گم کردید، به دنبال ستاره زهره بگردید و اگر ستاره زهره را گم کردید، بر شما واجب است که به دنبال ستارگان راهنما باشید. در روایت آمده است که اینجا یکی از مسلمانان از پیامبر ^(ص) پرسید که مقصود از خورشید، ماه، زهره و ستارگان راهنما چیست و نبی اکرم ^(ص) پاسخ دادند که من خورشید هستم. علی ^(ع)، ماه، زهره ^(ص) ستاره زهره و حسنین ^(ع)

ستاره های فروزان آسمان هستند.»

اگرچه این حدیث در منابع شیعه و اهل سنت متواتر است، این طور نیست که فقط به معنای تأکید نبی مکرم اسلام ^(ص) بر تبعیت مسلمین از شجره طیبه عصمت باشد، بلکه همچون سایر سخنان پیامبر اکرم ^(ص)، در دیف خطوط نورانی قرآن کریم و دستور صریح وحی است و بر همین اساس، نبی مکرم اسلام ^(ص) در این حدیث تصمیم گرفته اند با زبان استعاره و به صورت رمزالود به بیان حقیقت بپردازند، زیرا در آن زمان یا اساساً از جانب برخی افراد، بیان فضایل اهل بیت ^(ع) تحمل نمی شد یا ظرفیت وجودی برای درک جایگاه واقعی ائمه اطهار ^(ع) وجود نداشت.

در این شرایط، نبی مکرم اسلام، خود را به دلیل اتصال به کلام وحی به خورشید مثال می زنند، و وجود اقدس علی بن ابیطالب ^(ع) را همچون ماه می دانند که نور خورشید را به انسان ها انعکاس می دهد، زهرای مرضیه ^(ص) را به ستاره درخشانی که در صورت ناپیدا بودن ماه، آسمان شب را روشن می کند و وجود حسنین ^(ع) را به ستاره های فروزانی که زمینه هدایت افراد گم شده هستند، شبیه می کنند. اینجاست که در دوره ای که مسلمانان وجود اقدس امیرالمؤمنین ^(ع) را گم کردند و در برابر در خانه علی ^(ع) اجتماع کردند، این فاطمه زهرا ^(ع) بود که پشت در آمد. در آن زمان، علی ^(ع) دست به شمشیر نبرد، در حالی که ذوالفقار خیبر شکن را در اختیار داشت و این اتفاق رخ نداد تا تاریخ، اسلام را به یک ترقدرت و حکومت محدود نداند. بر این اساس، مقاومت حضرت زهرا ^(ص) در مبارزه، اصلی ترین دلیل شناخته شدن وجود اقدس صدیقه اطهر ^(ص) به عنوان الگوی انسان های مجاهد است، یعنی همان ایستادگی و رشادتی که زمینه ساز حفظ نماز شد، در شرایطی که بنابه قول روایان، فقط سه تا هفت نفر هنوز به اسلام واقعی ایمان داشتند. اسلام به عنوان میراث نبوی برای آیندگان محفوظ ماند.

شناخت حضرت زهرا ^(ص) یکی از دستورات العمل های بزرگ برای شناخت وظایف اجتماعی و عبادی است و اینکه بتوانیم وظیفه خودمان را در قبال ولایت انجام دهیم تا در پیشگاه الهی سربلند باشیم، آن شاء الله...

بزرگفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

حکم دست دعا

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در میان بگذارید.

● سؤال: چرا هنگام دعا دست بر آسمان بلند می کنیم و پس از آن دست ها را به صورت می کشیم؟

● پاسخ اجمالی:

پاسخ این پرسش در قرآن و روایات آمده است. در ادامه به مواردی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. بیان شده است که رزق انسان در آسمان است. در قرآن کریم به یکی از نشانه های عظمت پروردگار این گونه اشاره شده است: «رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است»^۱.

در برخی منابع تفسیری «رزق» در این آیه به دانه های حیات بخش باران تفسیر شده است^۲ که منبع هر خیر و برکت در زمین است^۳. اما این معنا می تواند یکی از مصداق های روشن آیه باشد و رزق مفهوم گسترده ای دارد^۴. معنای دیگر «آسمان» در این آیه شریفه عالم غیب و ماوراء طبیعت و لوح محفوظ است که رزق انسان ها از آنجا مقدر می شود^۵.

۲. امام علی ^(ع) می فرمایند: هروقت از نماز فارغ شدید، دست های خود را برای دعا کردن به سوی آسمان بلند کنید. شخصی از آن حضرت پرسید: ای مولای من! آیا خداوند در هر مکان و جهتی نیست؟ امام ^(ع) فرمودند: بله. پرسید: پس چرا باید دست های خود را به طرف آسمان بلند کنیم؟ امام ^(ع) فرمودند: مگر آیه «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ»^۶ را قرائت نکرده ای؛ روزی باید از محلتش طلب شود و محل آن آسمان است که خداوند بیان فرموده است باران از آسمان نازل می شود و به سبب آن از زمین قوت خلائق می روید و بیرون می آید^۷.

۳. وقتی انسان دست به دعا برداشت، مستحب است آن را بر سر و صورت خود بکشد، برای اینکه لطف خدا شامل این دست می شود و دستی که عطای الهی را دریافت کند، گرامی است. بنابراین، خوب است آن را به سر و صورت بکشد. چنان که امام صادق ^(ع) فرمودند: «هیچ بنده ای دست به درگاه خدای عزیز جبار نکشاید جز اینکه خدای عزوجل شرم کند که آن را تهی بازگرداند تا اینکه به مصلحت خود چیزی از فضل رحمتش در آن نبهد. پس هرگاه یکی از شما دعا کرد، تا دستش را به سر و روی خود نکشید، آن را پس نکشد»^۸.



۱. ذاریات، ۲/۲۲، قعی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۰/ ابن عجیه، احمد بن محمد، البحر المدیدی، تفسیر القرآن المجید، ج ۵، ص ۴۷۱/ جانی، ۴/۵، حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، ج ۱۵، ص ۴۶۷/ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۳۳۵، ۵. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۱۴، ص ۲۷/ ۶. ذاریات، ۲۲/ ۷. صدوق، محمد بن علی، من لایضره العقی، ج ۱، ص ۳۲۵/ ۸. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۷۱.

تجسس در زندگی انسان ها در برخی آیات و بسیاری از روایات به صراحت نهی شده است

کنجکاوی حرام

آئنه مستقیم^۱؛ چه بسیار پیش آمده است به اسم کنجکاوی یا توهم دفاع از خود که از بدبینی های ما ناشی می شده است. سر در زندگی دیگران کرده و کوشیده ایم سر از کارشان درآوریم تا یا به نفع خود یا در بزرنگاه ها. علیه آن ها از اطلاعات به دست آمده، سوء استفاده کنیم. چه بسیار آبروها که با تجسس بر زمین ریخته و چه بسیار دوستی ها و محبت ها که با یک به ظاهر کنجکاوی (فضولی) یک باره تمام شده است، به همین دلیل هم اسلام تجسس را نهی می کند و مؤمنان را از آن باز می دارد. مروری کرده ایم این رذیله اخلاقی و عواقب سنگینش برای انسان را.



دست از تجسس بردارید

روایات معصومان ^(ع) نیز بنا بر نقل شیعه و اهل سنت، تجسس و تفتیش در امور خصوصی و پنهانی مؤمنان را سخت نکوهش کرده اند و مؤلفان کتاب های حدیثی، گاه ابواب خاصی را به این موضوع اختصاص داده اند، مثل حدیثی از پیامبر اکرم ^(ص) که آن حضرت پس از بر حذر داشتن مؤمنان از سوء ظن و تجسس و کارهایی از این دست، آن ها را به برادری فراخوانده اند، به فرموده امام صادق ^(ع)، چهل دره چیز مطلوب است، از جمله در آنچه مقصود شرع نیست. بر اساس همین تصریحات، علمای اخلاق نیز جست و جو کردن در اسرار و امور پنهانی دیگران را ناپسند شمرده اند.



تجسس در نگاه فقها

فقها نیز با استناد به آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرام می دانند. همچنین تفتیش در عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا و آشکار کردن آن ها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیه نوزدهم سوره نور، حرام است. تجسس در زندگی شخصی و خانوادگی افراد نیز مشمول این حکم است.



تجسس، میوه بدبینی است

تجسس، یعنی تلاش برای دستیابی به اسرار، لغزش ها و عیب های پنهان دیگران. ریشه این تلاش در بیشتر اوقات به سوء ظن و بدگمانی برمی گردد. از آنجا که آدمی می خواهد برای بدبینی و بدگمانی خود، سند و مدرک جور کند، دست به تجسس می زند، این در حالی است که قرآن کریم به صراحت از این کار نهی و آن را حرام اعلام می کند، چنان که در آیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، زیرا بعضی گمان ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید...».



امریه معروف، جواز تجسس نیست

تجسس حتی برای اجرای فریضه امریه معروف و نهی از منکر هم ممنوع است؛ حجت الاسلام والمسلمین عالی در این باره می گوید: ممکن است فردی، کاری را طبق فتوای مرجع خودش انجام دهد و شما خیال کنید گناه است یا کار دوپهلویی انجام دهد که هم می تواند گناه باشد و هم می تواند نباشد، مثلاً خانم یا آقای با هم راه می روند و دلیلی ندارد شما تجسس کنید که این ها زن و شوهرند یا خیر. وقتی شما در ظاهر هیچ قرینه یا نشانه بدی نمی بینید، آن را بر وجه خوب ببینید. در واقع ما نباید منکر تراشی کنیم، بلکه باید منکری رخ دهد تا ما در مقابل آن بایستیم.



دل ها را از هم دور می کند

دانستن پیامد های منفی و عواقب سوء تجسس، کمک می کند که دلیل حرمت این عمل را بهتر دریابیم. پیامبر ^(ص) می فرمایند: «به یکدیگر حسد نوزید و بغض و کینه نداشته باشید و در کار دیگران، تجسس و تجسس نکنید و مردم را (با کار های مختلف خود) از خود ترانید و بندگان خدا و برادران دینی باشید». (صحیح مسلم، جلد ۴، صفحه ۱۹۸۵، حدیث ۲۵۶۳). از این حدیث می توان دریافت که تجسس همانند حسد و کینه و نفرت، سبب دوری مردم از یکدیگر و از هم پاشیدن شیرازه اجتماع است. کلینی هم در کتاب کافی با نقل از رسول خدا ^(ص) آورده است: «ای گروهی که با زبان مسلمان شده اید اما دل شما اسلام را نپذیرفته است، در لغزش های مسلمانان جست و جومکنید، زیرا هر که تجسس درباره لغزش های مسلمین کند، خداوند در لغزش او جست و جو خواهد کرد و هر که خداوند در لغزش او جست و جو کند، رسوایش خواهد کرد» (اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۲۵۴، حدیث ۴).



پرده ستاریت خداوند را کنار می زند

شهید ثانی در تعریف اصطلاحی تجسس می گوید: «معنی تجسس این است که بندگان خدا را زیر پرده ستاریت پروردگار، رها نکنی و پرده از روی کار آنان برداری و آنچه را که خداوند پوشیده داشته، آشکار کنی که این کار وسیله کسب اطلاع از امور مخفی آن ها و پرده برداشتن از روی اسرارشان می شود و در نتیجه آنچه بر تو پوشیده بود، آشکار می گردد که اگر مخفی بود، دل و دینت سالم تر می ماند» (کشف الریبه، ص ۹).



درمان تجسس

این رذیله هم مثل دیگر رذایل و اخلاق های ناپسند در نگاه دین، دارو و درمان دارد، بیماری تجسس را با از بین بردن ریشه های آن می توان درمان کرد. همان طور که گفتیم، نخستین ریشه تجسس، بدگمانی است و چاره آن هم خوش ظنی و اعتماد به افراد دیگر است. حسد، کینه توزی، دشمنی و تکبر نیز از عوامل تجسس است. آیت... مکارم شیرازی سوء ظن درباره اعمال خصوصی مردم را از عوامل تجسس می داند که سبب آگاهی بر عیوب پنهان و به دنبال آن سرچشمه غیبت می شود. وی تصریح می کند: «به همین دلیل در آیه ۱۲ سوره حجرات، نخست از گمان دور بد، و در مرحله بعد، از تجسس و در مرحله سوم از غیبت، نهی شده است». (اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۲۳). نزاقی در معراج السعاده آورده است: «پیامبر ^(ص) با همسرش صفیه، شب هنگام در حال حرکت بودند که مردی از انصار گذر کرد. پیامبر ^(ص) او را صدا زدند و فرمودند: این زن من صفیه است. مرد انصاری گفت: هرگز که من بر شما گمان بد ببرم! حضرت ^(ص) فرمودند: شیطان درگ و خون بنی آدم جادارد. ترسیدم بر شما داخل و باعث هلاکت شود». نزاقی پس از نقل این داستان، یادآوری کرده است که «در این کار رسول خدا ^(ص) دو ارشاد عظیم برای امت هست؛ یکی دوری از ظن بد و دوم اینکه حتی پیامبر ^(ص) باید خود را از محل تیمت، دور نگه دارد».



پنه دیگران را روی آب نریزید

حجت الاسلام والمسلمین انصاریان در نکوهش تجسس و حرمت آن می گوید: خداوند در سوره مبارکه حجرات، از تجسس وی جویی زندگی مردم نهی می کند. از دختر و پسر و کسب مردم بی جویی نکند؛ برای مثال اگر شما را به میهمانی و افطار دعوت می کنند، حق ندارید از میزبان پرسید که آیا خمس مالت را داده ای یا نه. این استاد اخلاق ادامه می دهد: در امور اجتماعی هم این مسئله صادق است، ادارات حق ندارند هنگام استخدام طوری جوسازی کنند که کارمند، گذشته منفی خود را بگوید. این تجسس حرام است. هر که در یافتن عیوب گذشته مردم جست و جوی کند، بی تردید کارش حرام است. فردی هم که پته خودش را روی آب می ریزد، او هم مرتکب حرام می شود. پیامبر ^(ص) می فرمایند: ارزش آبروی مردم، ارزش خون هاست... چه کسی را بکشی، چه آبرویش را بریزی... به اسم تحقیق، آبروی مردم را نریزید.



تجسس مطلوب و مجاز

با وجود همه زشتی و حرمتی که آبروی مردم دارد، وقتی پای مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه در میان باشد، تجسس و تفتیش ضرورت می یابد؛ زیرا دولت اسلامی ناگزیر باید از وضع دشمنان خارجی و فعالیت های آنان و نیز فعالیت های معارضان داخلی، اطلاعات کافی به دست آورد و بر فعالیت کارگزاران و کارمندان خود نظارت کند و از نیازها و مشکلات توده مردم نیز آگاه باشد. بدین ترتیب در مواقعی، تجسس، جایز و حتی واجب می شود که تشخیص آن به عهده حاکم اسلامی است. این قسم از تجسس در سیره معصومان ^(ع) دیده می شود، چنان که امیرمؤمنان ^(ع) در عهد نامه مالک اشتر به وی فرمان دادند کارهای کارگزارانش را پیگیری کند و بازرسانی صادق و وفادار برای نظارت بر آنان بگمارد (شرح نهج البلاغه، نامه ۵۳)، همچنین به کعب بن مالک، یکی از کارگزارانش، فرمودند به نظارت و بازرسی عملکرد مسئولان شهرها و قرای عراق بپردازد. امام علی ^(ع) هم چنین در نامه به مالک، شرایط انتخاب عاملان و مقام های حکومتی را بیان کرده اند، حاکم اسلامی برای انجام دادن وظایف خود باید از افکار و آرا و نیازها و درخواست ها و شکایت های مردم آگاه باشد و این آگاهی، مستلزم نوعی تجسس از جانب حاکم درباره امور مذکور است. علاوه بر آنکه مصالح نظام اسلامی این گونه تجسس را اقتضا می کند، احادیث و سیره نبوی و علوی نیز بر آن تأکید می کند.